

Biannual Journal of Applied
Counseling
2014, 4 (2), 1-18
Received: 4 May 2015
Accepted: 2 Aug 2015

دو فصلنامه مشاوره کاربردی
۱۸-۱، ۴ (۲)، ۱۳۹۳
دریافت: ۹۴/۲/۱۴
پذیرش: ۹۴/۵/۱۱

رابطه بین جهت گیریهای ارتباطی خانواده و احساس تنهایی:
بررسی نقش واسطه‌ای هویت معنوی

The relationship between family communication orientations and loneliness: The Mediating role of spiritual identity

Bahram Jokar
Raheleh Rostami

بهرام جوکار*
راحله رستمی**

Abstract

Spiritual identity is conceptualized as defining and identification of oneself based on spirituality and spiritual experiences. This study, in a framework of a causal model, investigated the mediating role of spiritual identity between family communication orientations and loneliness aspects. Participants, four hundred undergraduate Shiraz University students (268 girls and 132 boys) were participants of the study selected by multistage cluster random sampling and completed Revised Family Communication Patterns (Koerner and Fitzpatrick), Social and Emotional Loneliness Scale for Adults: SELSA-S and a researcher-made questionnaire to measure spiritual identity. The SEM method was conducted to test the model fitness and Bootstrapping method in AMOS was used to examine the mediating role of the variables. Results showed that conversation orientation predicted all three types of loneliness, though conformity orientation was only a positive significant predictor of family loneliness. Also, conversation orientation was a positive significant predictor of both moral and supernatural dimensions of spiritual identity. Furthermore, the results revealed that both dimensions of spiritual identity significantly mediated the relationship between conversation orientation and all types of loneliness. Overall, findings suggest that conversation decreases family loneliness, romantic loneliness, and social loneliness through increasing spiritual identity.

Keywords: spiritual identity; family communication orientations; romantic loneliness; family loneliness; social loneliness.

چکیده

هویت معنوی به عنوان تعریف و شناسایی خود بر اساس معنویت و تجربیات معنوی، معرفی شده است. پژوهش حاضر در قالب یک مدلی علی نقش واسطه‌ای هویت معنوی را در ارتباط بین جهت گیری‌های ارتباطی خانواده و انواع احساس تنهایی مورد کنکاش قرار داد. چهارصد نفر (۲۶۸ دختر و ۱۳۲ پسر) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. و ابزار تجدیدنظر شده‌ی الگوی ارتباطات خانواده (کوئرر و فیتزپاتریک)، مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی (دی توماسو و همکاران) و پرسشنامه محقق‌ساخته هویت معنوی را تکمیل نمودند. برای برازندگی مدل از روش تحلیل معادلات ساختاری و برای تعیین نقش واسطه‌گری، بوت‌استرپ در نرم‌افزار AMOS به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان داد جهت‌گیری گفت‌و شنود پیش‌بین هر سه نوع احساس تنهایی بوده اما جهت‌گیری هم‌نواپی فقط تنهایی خانوادگی را بصورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی نموده و همچنین جهت‌گیری گفت‌و شنود پیش‌بین مثبت و معنی‌دار هر دو بعد باورهای ماورایی و اخلاقی هویت معنوی است. همچنین هر دو بعد هویت معنوی در رابطه‌ی جهت‌گیری گفت‌و شنود با انواع احساس تنهایی نقش واسطه‌ای معناداری دارد. در مجموع، می‌توان بیان داشت که گفت‌و شنود به واسطه‌ی افزایش ابعاد هویت معنوی موجب کاهش سه نوع احساس تنهایی رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی در افراد می‌شود.

واژه های کلیدی: هویت معنوی، جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده، احساس تنهایی رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی

* دکتری روانشناسی تربیتی، دانشیار بخش روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
b_jowkar@yahoo.com

** کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز

مقدمه

از آن زمان که آدمی جستجوگر مفهوم خویشتن شده، پاسخ به سوال "من کیستم؟" در قالب‌های مختلف از دغدغه‌های مهم او شده، و شکل‌گیری مفهوم هویت^۱ را رقم زده است. این سازه از زمان ویلیام جیمز^۲ (۱۸۹۲، به نقل از سیکس‌سمیت، ۱۹۸۶) مورد اشاره روانشناسان بوده است. اما اریکسون^۳ (۱۹۶۸؛ به نقل از بزکی، ۲۰۰۸) در مدل روانی-اجتماعی خود مفهوم هویت و بحران هویت^۴ را به عنوان یکی از مراحل رشد انسان مطرح نمود. در نظریه اریکسون (۱۹۶۸؛ به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) بحران نوجوانی بر مبنای میزان تعهد^۵ و اکتشاف^۶ به باورها و اهداف خود، تعیین می‌یابد. پس از وی نظریه‌پردازان با رویکردها و مدل‌های مختلف تلاش داشتند تا در قالب وضعیت‌های هویت (مارسیا، ۱۹۸۰)، سبک‌های هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹) و ابعاد هویت (تاجفل، ۱۹۸۱) این سازه را مفهوم‌سازی و عملیاتی نمایند. در مدل وضعیت‌های هویت، تلاش شد تا بر مبنای دو بعد تعهد و اکتشاف ساختار هویت در قالب چهار وضعیت هویتی موفق^۷، زودرس^۸، تعلیقی^۹ و گسیخته^{۱۰}، عملیاتی گردد (مارسیا، ۱۹۶۶؛ به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). در نظریه سبک‌های هویت، بر فرایندهای پردازش اطلاعات مربوط به خود تاکید شده است (برزونسکی، ۱۹۸۹) و سه سبک پردازش به نام‌های اطلاعاتی^{۱۱}، هنجاری^{۱۲} و آشفته^{۱۳} مورد نظر قرار گرفته است. در نظریه ابعاد هویت، بطور خاص به محتوای هویت و ابعاد آن توجه شده است (تاجفل، ۱۹۸۱)، منظور از محتوای هویت مبنایی است که فرد تعریف و تشخیص خود را بر آن استوار می‌سازد (برزونسکی، ۲۰۰۳). این مبنای خود تعریفی می‌تواند قومیت (هویت قومی)، جامعه (هویت جمعی)، ملیت (هویت ملی)، اخلاقیات (هویت اخلاقی) و امثال آن باشد، که هر یک بیانگر ابعاد مختلف هویت می‌باشند. از زمان طرح نظریه هویت اجتماعی محققان بر مبنای خاص‌تری از خود تعریفی توجه داشته‌اند. در این میان توجه به بعد معنوی هویت از همه موخرتر بوده است، که تحت عنوان هویت معنوی (مک‌دونالد، ۲۰۰۹) نام گذاری شده است.

-
1. identity
 2. William James
 3. Erikson
 4. identity crisis
 5. commitment
 6. exploration
 7. achievement
 8. foreclosure
 9. moratorium
 10. diffusions
 11. informational
 12. normative
 13. diffuse / avoidance

با وجود اینکه ارتباط بین هویت و معنویت از دیرباز در نظام‌های مذهبی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است، توجه علمی به ارتباط معنویت و هویت تنها در دهه پیش گسترش یافته است (مک‌دونالد، ۲۰۰۹). این ارتباط، از یک سو بر مبنای مفهوم‌پردازی هویت و از سوی دیگر بر مبنای مفهوم سازی معنویت مورد کنکاش قرار گرفته است. در دیدگاه نخست، رویکردهای متمایزی مطرح شده است که رویکردهای عرفی^۱ و فراشخصی^۲ از جمله مطرح‌ترین آن‌ها می‌باشند. در رویکرد عرفی، هویت به عنوان "من"^۳، و حس "خود" فرد که دارای مرزهای محدود است معرفی می‌شود. بر اساس چنین تعریفی، هویت معنوی به عنوان نحوه‌ای که "من" فرد به معنویت مربوط می‌شود و با حس "خود" یکپارچه می‌شود تعریف می‌گردد و اگر معنویت را به عنوان تعالی تعریف کنیم، به این ترتیب هویت معنوی به عنوان شناسایی خود با جنبه‌هایی از تجارب تعالی تعریف می‌شود (مک‌دونالد، ۲۰۰۹). بر اساس این رویکرد، وینک و دیلون^۴ (۲۰۰۴)، به نقل از مک‌دونالد، (۲۰۰۹) هویت معنوی را به عنوان تلاش وجودی فرد برای معنای نهایی از طریق دریافت فردی از امور روحانی تعریف کرده‌اند.

اما رویکردهای فراشخصی بیان می‌کنند که هویت به خود و کارکرد آن محدود نمی‌شود، گویی هویت اساساً در ذات و طبیعت خود امری معنوی است. در این رویکرد علاوه بر محتوای هویت، ساختار و فرایندهایی که از خلال آنها هویت رشد و توسعه می‌یابد نیز معنوی است. این دیدگاه در این راستا تا آنجا پیش می‌رود که نهایتاً هویت و معنویت را شبیه به هم در نظر می‌گیرد (مک‌دونالد، ۲۰۰۹).

در دیدگاه دوم، مفهوم سازی هویت معنوی بر مبنای نقش دیگران در شکل‌دهی معنویت استوار است، که به دو دسته رویکردهای فردی^۵ و بافتی^۶ قابل تفکیک می‌باشد (روهل کپارتین، بنسون و اسکیلز، ۲۰۱۱). در رویکرد فردی معنویت به صورت کاملاً شخصی تعریف شده است و در آن به روابط فرد با دیگران و به طور کلی جهان بیرونی در شکل‌دهی معنویت و به دنبال آن هویت معنوی توجه نشده است (مک‌دونالد، ۲۰۱۱). اما در رویکرد بافتی رشد معنوی حاصل اثر متقابل تجارب درونی و اتصال به منبعی نامحدود، و سیر بیرونی و ارتباطات فرد است (روهل کپارتین و همکاران، ۲۰۱۱).

با در نظر گرفتن رویکردهای مطرح شده، در این پژوهش هویت معنوی با نگاهی عرفی (از حیث هویت) و بافتی (از حیث معنویت) تعریف شده است. مطابق با دیدگاه عرفی، هویت معنوی شامل تعریف و شناسایی خود بر اساس معنویت، و با توجه به رویکرد بافتی به معنویت، تجارب معنوی هم شامل ارتباط با نیرویی برتر

-
1. conventional approach
 2. transpersonal approach
 3. ego
 4. Wink, & Dillon
 5. personal
 6. contextual

و هم در بردارنده‌ی تجارب فرد در ارتباط با دیگران است. بر این اساس هویت معنوی بیانگر آن است که افراد تا چه میزان ارتباط با نیرویی برتر و دیگران را در شکل‌دهی شخصیت و هویت خویش مهم می‌پندارند. علی‌رغم ارائه تعاریف مذکور از هویت معنوی، از یک سو عملیاتی‌کردن و اندازه‌گیری آن با مشکلات فراوانی مواجه بوده (مک‌دونالد، ۲۰۰۹) به طوری که جستجوی محققان برای دستیابی به ابزاری معتبر برای اندازه‌گیری این سازه کامیابی چندانی به دنبال نداشته است. از سوی دیگر، کمبود پژوهشها در زمینه پیش‌آمدها و پیامدهای این سازه، موجب شده تا داده‌های تجربی کمی در جهت تأیید مدلهای مفهومی این سازه در دسترس باشد. این چالشها، تلاش در جهت عملیاتی‌کردن این سازه و کنکاش پیرامون پیش‌آمدها و پیامدهای آن را ضروری نموده است. بنابراین در پژوهش حاضر این دو مهم همزمان مورد بررسی قرار گرفت. خانواده به عنوان اولین کانون شکل‌گیری شخصیت و زمینه‌ساز رشد روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان، همواره به عنوان یک پیش‌آیند بنیادین در زمینه هویت مورد نظر محققان بوده است (شفیلیدمورس، سیلک، اشتاین برگ، میرز و رایبسنسون، ۲۰۰۷؛ کوپر، گراتوانت و کاندن، ۱۹۸۳؛ نافو و شوارتز، ۲۰۰۴). بنابراین ضروری است تا در زمینه رشد هویت معنوی نیز، نقش آن مورد نظر قرار گیرد (مک‌دونالد، ۲۰۱۱). در این راستا، نحوه تعاملات خانوادگی یا آنچه تحت عنوان الگوی ارتباطی خانواده^۱ (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴) نامیده شده است، از متغیرهای مهم ساختار خانواده محسوب می‌شود و می‌تواند نقش مهمی در هویت معنوی نوجوانان داشته باشد.

فیتزپاتریک و همکارانش (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲؛ بارل و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰، به نقل از فیتزپاتریک، ۲۰۰۴) الگوی ارتباطی خانواده را، کیفیت و محتوای ارتباط، نوع فعالیت و فضای تعاملات درون خانواده تعریف نموده‌اند. این محققان بر مبنای دو نوع جهت‌گیری زیربنایی گفت‌و شنود^۲ و همنوایی^۳ انواع الگوهای ارتباطی را طراحی نمودند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴؛ به نقل از فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). منظور از جهت‌گیری گفت‌و شنود این است که در خانواده تا چه حد شرایطی وجود دارد که تمام اعضای خانواده به شرکت آزادانه در تعامل و بحث در طیف گسترده‌ای از موضوعات تشویق می‌شوند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴؛ کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). جهت‌گیری همنوایی نیز اشاره دارد به اینکه خانواده تا چه حد همسان بودن نگرشها، ارزشها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴؛ کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). از ترکیب وضعیت‌های زیاد یا کم روی طیف‌های این دو بعد چهار طرحواره خانوادگی تشکیل می‌شود (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴) که "الگوهای ارتباطی خانواده" نامیده می‌شوند: خانواده‌های توافق‌کننده^۴ خانواده‌هایی هستند که گفت‌و شنود و

-
1. family communication pattern
 2. conversation
 3. conformity
 4. consensual

همنوایی بالایی دارند. خانواده‌های کثرت‌گرا^۱ در بعد گفت و شنود بالا و در همنوایی پایین هستند. خانواده‌های محافظت‌کننده^۲، خانواده‌هایی هستند که گفت‌وشنود کم و همنوایی بالایی دارند. و در آخر خانواده‌های بی‌قید^۳ خانواده‌هایی هستند که در هر دو بعد همنوایی و گفت و شنود نمره پایینی کسب می‌کنند. کسب می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیامدهای انواع جهت‌گیری حاکی از آن است که جهت‌گیری گفت و شنود دارای پیامدهای سازگارانه می‌باشد ولی در خصوص نقش جهت‌گیری همنوایی یافته‌ها متناقض است (سلطانی، حسینی و محمودی، ۲۰۱۳؛ زرنقاش، زرنقاش و زرنقاش، ۲۰۱۳؛ لدبر و شروود، ۲۰۰۸ و شروود، لدبر و اورت، ۲۰۰۷).

در پژوهش حاضر نقش انواع جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده (گفت‌شنود و همنوایی) در تبیین واریانس هویت معنوی مد نظر قرار گرفت. با الهام از یافته‌های پژوهشی در زمینه جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و با در نظر گرفتن این مساله که هویت معنوی سازه‌ای مثبت در ادبیات روانشناسی است، می‌توان پیش‌بینی کرد که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت هویت معنوی باشد و جهت‌گیری همنوایی، به صورت منفی یا خنثی این بعد هویت را پیش‌بینی کند.

پژوهش‌های انجام شده در خصوص ابعاد متعالی هویت، نشانگر آن بوده است که این ابعاد هم به صورت مستقیم و هم به شکل میانجی، پیش‌بینی‌کننده بحران در ارتباطات اجتماعی می‌باشند (هاردی، باهارتچی، آکوئینو و رید، ۲۰۱۰؛ پرت، هانزبرگر، پنسر و آلیسات، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، تعاملات خانوادگی به واسطه ابعاد متعالی هویت بر ادراک فرد از تعاملات اجتماعی اثر می‌گذارند.

با مرور پژوهشها (رزم‌زن و شکوفه‌فرد، ۲۰۱۴؛ ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹؛ شروود، لدبر و اورت، ۲۰۰۷؛ کلی، کیتن، فینچ، دوآرت، هافمن و مایکلز، ۲۰۰۲؛ گودی، کانست و نیشیدا، ۲۰۰۱؛ هوانگ، ۱۹۹۹) سازه احساس تنهایی^۴ به عنوان شاخصی از بحران در ارتباطات اجتماعی مد نظر قرار گرفت. علت انتخاب این متغیر از این جهت بود که هیجانی منفی، خودآگاه و پیچیده می‌باشد و با توجه به اینکه هویت معنوی نیز سازه‌ای پیچیده، متعالی و متأثر از ارتباطات اجتماعی است (مک دونالد، ۲۰۰۹)، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده منفی احساس تنهایی باشد.

احساس تنهایی نوعی هیجان منفی است که از تعارضات ارتباطی یا فقدان روابط بین فردی ناشی می‌شود و در نتیجه آن، افراد احساس عدم صمیمیت با دیگران می‌کنند (ساکلفسکی، یاکولیک و کلی، ۱۹۸۶). تعاریف متعددی از احساس تنهایی صورت گرفته است، اما در همه آن‌ها سه فرض مشترک دیده

-
1. pluralistic
 2. protective
 3. laissez faire
 4. loneliness

می شود: ۱) احساس تنهایی ناشی از فقدان یا کاستی‌های ادراک شده در روابط بین فردی است. ۲) احساس تنهایی بیشتر از اینکه یک وضعیت عینی باشد، یک حالت ذهنی است. ۳) احساس تنهایی، تجربه‌ای ناخوشایند و غم‌افزاست (کراس، دیویس، بزینی، چرچ و کرچمن، ۱۹۹۳، به نقل از سلیمی، ۱۳۸۷).

گسترده‌گی مفهوم احساس تنهایی بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته تا علاوه بر تعریف و مفهوم سازی این سازه، به مطالعه پیرامون شناسایی اشکال آن نیز بپردازند. نخستین بار ویس (۱۹۷۳) احساس تنهایی را در دو بعد انزوای هیجانی ۱ و انزوای اجتماعی ۲ معرفی کرد. بطور کلی باید گفت در تنهایی عاطفی فقدان وابستگی به شخص یا اشخاص دیگر برجستگی دارد، در حالیکه در تنهایی اجتماعی فقدان درگیری در روابط و شبکه‌های اجتماعی مطرح است (مارکونن و بروماکن، ۱۹۸۵).

با مدنظر قرار دادن مطالب فوق و با توجه به تحقیقات اندک در رابطه با هویت معنوی، در پژوهش حاضر از یک سو تلاش شد تا با تهیه مقیاسی جهت اندازه گیری این سازه گامی در جهت عملیاتی نمودن آن بر داشته شود و از سوی دیگر تلاش شد تا با ارائه مدلی علی شواهد تجربی در خصوص پیش‌آیندها و پیامدهای آن ارائه شود. در مدل مذکور هویت معنوی به عنوان میانجی جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و احساس تنهایی مورد بررسی قرار گرفت. به بیانی دیگر در پژوهش حاضر، جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده به‌عنوان متغیر برونزاد، هویت معنوی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و احساس تنهایی به‌عنوان متغیر درونزاد مورد بررسی قرار گرفت. مساله اساسی پژوهش حاضر این بود که کدامیک از ابعاد هویت معنوی می‌تواند فرایند اثرگذاری انواع جهت‌گیری‌های ارتباطی خانوادگی بر انواع احساس تنهایی را توجیه نماید؟ در این راستا با توجه به پیشینه پژوهشی فرضیه‌های زیر در نظر گرفته شد: ۱) جهت‌گیری گفت و شنود به صورت منفی و جهت‌گیری هم‌نواپی به صورت مثبت انواع احساس تنهایی را پیش‌بینی می‌کنند و ۲) جهت‌گیری گفت و شنود به صورت مثبت و جهت‌گیری هم‌نواپی به صورت منفی ابعاد هویت معنوی را پیش‌بینی می‌کنند و ۳) ابعاد هویت معنوی در رابطه‌ی جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و احساس تنهایی نقش واسطه‌ای دارند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش حاضر کلیه‌ی دانشجویان دختر و پسر سال‌های دوم تا چهارم مقطع کارشناسی در دانشگاه شیراز بود. دانشجویان سال اول با توجه به بحران ورود به دانشگاه، و دانشجویان سال چهارم نیز با توجه به بحران آزمون کارشناسی ارشد و آینده شغلی - تحصیلی در جامعه مورد نظر قرار داده نشدند.

-
1. emotional isolation
 2. social isolation

شرکت کنندگان این پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانشجویان (۲۶۸ دختر و ۱۳۲ پسر) دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی-اقتصاد و مدیریت، مهندسی، علوم تربیتی و روانشناسی، و علوم پایه بودند که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا از هر دانشکده چهار رشته به طور تصادفی انتخاب گردید و از هر رشته یک کلاس به طور تصادفی برگزیده شد و کلیه دانشجویان حاضر در آن کلاس مورد ارزیابی قرار گرفتند.

ابزار سنجش

نسخه‌ی فرزندان ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده (RFCEP)^۱: این ابزار یک پرسش‌نامه‌ی خودسنجی است که توسط کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) ساخته شده و میزان موافقت و عدم موافقت پاسخ دهنده را با ۲۶ گزاره (پانزده گزاره مربوط به جهت‌گیری گفت و شنود، و یازده گزاره مربوط به جهت‌گیری هم‌نوازی) که درباره‌ی وضعیت ارتباطات خانوادگی وی هستند در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای از مقیاس لیکرت (کاملاً موافقم = ۴ تا کاملاً مخالفم = ۰) می‌سنجد. نمونه‌ای از سوال‌های این مقیاس به این ترتیب است: ما اغلب در خانواده خود درباره احساسات و عواطفمان صحبت می‌کنیم. کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت و شنود ۰/۸۹ و برای جهت‌گیری هم‌نوازی ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز کوروش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) برای بعد گفت و شنود ضریب آلفای ۰/۸۷ و برای بعد هم‌نوازی ضریب آلفای ۰/۸۱ را گزارش کرده‌اند. کوروش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی و تحلیل عاملی روایی بالایی را برای ابزار بدست آورده است. در پژوهش حاضر، روایی این مقیاس با استفاده از روش تحلیل عامل محاسبه شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود ۲ عامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوازی در گویه‌ها را نشان داد. همچنین ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) برای جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوازی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۸ بدست آمد.

مقیاس هویت معنوی^۲: این مقیاس توسط راهیما، رستمی و جوکار (۱۳۹۲) با الهام از مدل ابعاد هویت چیک، اسمیت و تروپ (۲۰۰۲) به منظور سنجش میزان اهمیت معنویت و تجارب معنوی در هویت و شکل‌دهی شخصیت افراد تهیه شده که شامل ۳۴ گویه در دو بعد باورهای ماورایی و باورهای اخلاقی است. ماده‌های این مقیاس در یک طیف پنج درجه‌ای از اهمیت ندارد (یک) تا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (پنج) تنظیم شده است. نمونه‌ای از سوال‌های این مقیاس به این ترتیب می‌باشد: تجارب معنوی مانند ارتباط عمیق

1. Revised version of Family Communication Pattern Questionnaire
2. Spiritual Identity Scale

با هر آنچه در هستی است، در شکل‌دهی شخصیت من. روایی و پایایی بالایی از سوی سازندگان برای ابزار گزارش شده است. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای دو خرده مقیاس باورهای ماورایی، باورهای اخلاقی و نمره کل مقیاس هویت معنوی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۵ گزارش شده است. به علاوه سازندگان این مقیاس روایی این ابزار را با استفاده از روش واریانس اعتبار (تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی) مورد تایید قرار داده‌اند (باورهای ماورایی و باورهای اخلاقی). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای باورهای ماورایی، باورهای اخلاقی و نمره کل مقیاس هویت معنوی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۵ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی نیز حاکی از تایید دو عامل فوق در مقیاس بود.

فرم کوتاه شده مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی (SELSA-S):^۱ فرم کوتاه

شده مقیاس احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی (دی توماسو، برانن و بست، ۲۰۰۴) بر اساس نظریه ویس (۱۹۷۳) طراحی شده و احساس تنهایی را در سه زمینه رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس در مجموع شامل ۱۵ گویه و هر یک از ابعاد رمانتیک، خانواده و اجتماعی مشتمل بر ۵ گویه می‌باشد که هر گویه در یک طیف ۵ رتبه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) تنظیم شده است. کسب نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده احساس تنهایی بیشتر در هر یک از ابعاد می‌باشد. نمونه‌ای از سوال‌های این مقیاس به این ترتیب می‌باشد: رابطه عاطفی رضایت بخشی ندارم، ولی ای کاش داشتم. مولفان این مقیاس، ضرایب آلفای کرونباخ این ابزار را بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. در ایران پایایی و روایی این مقیاس توسط جوکار و سلیمی (۱۳۹۰) بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی موید وجود سه عامل در این مقیاس بود، همچنین روایی همگرا و افتراق مطلوبی برای مقیاس به دست آمد، ضرایب آلفای کرونباخ نیز برای تنهایی رمانتیک، اجتماعی و خانوادگی به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۴ و ۰/۷۸ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز ساختار عاملی این ابزار با استفاده از تحلیل عوامل تایید گردید. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای احساس تنهایی اجتماعی، احساس تنهایی رمانتیک و نمره کل مقیاس احساس تنهایی به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۵ به دست آمد.

تجربه و تحلیل داده ها

در این پژوهش برای بررسی فرضیه های سه گانه از تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید.

یافته ها

در جدول ۱ شاخص‌های آماری شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای

1. Social Emotional Loneliness Scale for Adults Short form

پژوهش آورده شده است.

جدول ۱

شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر نمره	حداقل نمره
جهت گیریهای ارتباطی خانواده	جهت گیری گفت و شنود	۵۰/۶۶	۹/۳۹	۱۷
	جهت گیری همنوایی	۲۸/۶۲	۶/۸۹	۹
هویت معنوی	باورهای ماورایی	۷۰/۲۳	۱۷/۱۰	۹۵
	باورهای اخلاقی	۴۱/۴۸	۷/۰۲	۵۵
احساس تنهایی	رمانتیک	۱۲/۸۹	۴/۶۶	۲۵
	خانوادگی	۱۰/۲۶	۳/۶۳	۲۰
	اجتماعی	۱۱/۶۹	۳/۸۲	۲۵
				۰

همان گونه که یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی متغیر وابسته‌ی مدل (انواع احساس تنهایی) با سایر متغیرها در اکثر موارد معنی دار بوده است. معنی داری ضرایب پیش شرط لازم برای تحلیل مدل معادلات ساختاری را فراهم آورد.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
جهت گیری گفت و شنود	۱						
جهت گیریهای ارتباطی خانواده	جهت گیری همنوایی	۰/۳۵**	۱				
هویت معنوی	باورهای ماورایی	۰/۲۵**	۰/۰۹	۱			
	باورهای اخلاقی	۰/۲۸**	۰/۰۸	۰/۵۵**	۱		
احساس تنهایی	رمانتیک	۰/۲۶**	۰/۱۸**	۰/۲۱**	۰/۱۴**	۱	
	خانوادگی	۰/۵۴**	۰/۳۴**	۰/۲۷**	۰/۲۶**	۰/۴۱**	۱
اجتماعی		۰/۳۰**	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۲۸**	۰/۴۶**	۰/۴۷**

*

$p < 0.05$

**

$p < 0.01$

Figure 1 is a structural equation model (SEM) diagram. It includes three latent variables (circles) and four observed variables (rectangles). The latent variables are 'نیایش رمانتیک' (Romantic Prayer), 'نیایش' (Prayer), and 'نیایش اعتدالی' (Moderate Prayer). The observed variables are 'گفت و شنود' (Communication), 'باورهای مابری' (Superior Beliefs), 'خمنوی' (Humility), and 'باورهای اعتدالی' (Moderate Beliefs). Standardized path coefficients are shown on the arrows. Error terms (E) are also indicated.

Path coefficients:

- گفت و شنود to نیایش رمانتیک: 0.38
- گفت و شنود to نیایش: 0.25
- گفت و شنود to نیایش اعتدالی: 0.38
- باورهای مابری to نیایش رمانتیک: 0.19
- باورهای مابری to نیایش: 0.13
- باورهای مابری to نیایش اعتدالی: -0.48
- خمنوی to نیایش رمانتیک: 0.31
- خمنوی to نیایش: 0.38
- خمنوی to نیایش اعتدالی: 0.38
- باورهای اعتدالی to نیایش رمانتیک: 0.36
- باورهای اعتدالی to نیایش: 0.36
- باورهای اعتدالی to نیایش اعتدالی: 0.36

Error terms (E) are shown for each latent variable and each observed variable. The error term for 'گفت و شنود' is E_{10} , for 'باورهای مابری' is E_{11} , for 'خمنوی' is E_{12} , and for 'باورهای اعتدالی' is E_{13} . The error terms for the latent variables are E_{14} , E_{15} , and E_{16} .

شکل ۱
مدل نهایی پژوهش

با استفاده از دستور خودراه انداز^۱ در نرم افزار AMOS، معناداری اثرات غیرمستقیم استاندارد متغیرها و همچنین سهم واسطه‌گری ابعاد هویت معنوی به شرحی که در جدول ۳ آمده، به دست آمد. نتایج حاکی از آن است که باورهای اخلاقی در ارتباط بین جهت‌گیری گفت و شنود و تنهایی خانوادگی -0.03 ($p < 0.04$) و تنهایی اجتماعی -0.07 ($p < 0.005$) بطور معنادار نقش واسطه‌ای داشته است اما در ارتباط بین جهت‌گیری گفت و شنود و تنهایی رمانتیک -0.07 ($p \leq 0.530$) به عنوان واسطه عمل نکرده است. اما، باورهای اخلاقی در ارتباط بین جهت‌گیری همنوایی و احساس تنهایی، در هیچ‌یک از انواع احساس تنهایی به عنوان واسطه معنادار عمل نکرده است. همچنین مشاهده می‌شود که باورهای ماورایی در ارتباط بین جهت‌گیری گفت و شنود و تنهایی رمانتیک -0.48 ($p < 0.007$) و خانوادگی -0.03 ($p < 0.005$) نقش واسطه‌ای معناداری داشته است، اما در ارتباط بین جهت‌گیری گفت و شنود و تنهایی اجتماعی -0.05 ($p < 0.07$) به عنوان واسطه معنادار عمل نکرده است. اما باورهای ماورایی در ارتباط بین جهت‌گیری همنوایی و احساس تنهایی، در هیچ‌یک از ابعاد احساس تنهایی به عنوان واسطه معنادار عمل نکرده است.

جدول ۳

نتایج واسطه‌گری ابعاد هویت معنوی در رابطه‌ی جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و احساس تنهایی

مسیر		اثر مستقیم		اثر مستقیم با واسطه‌گری		اثر غیر مستقیم (خودراه انداز)		
		β	p	β	p	Ind.	p	
گفت و شنود	باورهای اخلاقی	رمانتیک	-۰/۲۴	۰/۰۰۱	-۰/۱۹	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۷	۰/۵۳۲
گفت و شنود	باورهای اخلاقی	خانوادگی	-۰/۵۵	۰/۰۰۱	-۰/۴۹	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۱
گفت و شنود	باورهای اخلاقی	اجتماعی	-۰/۳۰	۰/۰۰۱	-۰/۲۱	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۵
گفت و شنود	باورهای ماورایی	رمانتیک	-۰/۲۴	۰/۰۰۱	-۰/۱۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۴۸	۰/۰۰۷
گفت و شنود	باورهای ماورایی	خانوادگی	-۰/۵۵	۰/۰۰۱	-۰/۴۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۵
گفت و شنود	باورهای ماورایی	اجتماعی	-۰/۳۰	۰/۰۰۱	-۰/۲۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	۰/۷۱۲
همنوایی	باورهای اخلاقی	رمانتیک	۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۹۲۳
همنوایی	باورهای اخلاقی	خانوادگی	۰/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۸	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۹۶۰
همنوایی	باورهای اخلاقی	اجتماعی	۰/۰۹	۰/۰۰۹	۰/۱۰	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۵	۰/۸۶۰
همنوایی	باورهای ماورایی	رمانتیک	۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۸۱۲
همنوایی	باورهای ماورایی	خانوادگی	۰/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۰
همنوایی	باورهای ماورایی	اجتماعی	۰/۰۹	۰/۰۰۹	۰/۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۸۹۰

بحث

هدف پژوهش حاضر واکاوی یک مدل علی پیرامون نقش میانجی هویت معنوی در رابطه جهت گیری های ارتباطی خانواده و احساس تنهایی بود. یافته های پژوهش نخست نشان داد که هر سه نوع احساس تنهایی (رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی)، توسط جهت گیری گفت و شنود بصورت منفی پیش بینی می شوند اما جهت گیری همنوایی تنها پیش بینی کننده مثبت احساس تنهایی خانوادگی می باشد، دوم اینکه، بین جهت گیری گفت و شنود و هر دو بعد باورهای ماورایی و اخلاقی هویت معنوی، رابطه مثبت وجود دارد اما جهت گیری همنوایی نتوانسته هیچ یک از ابعاد هویت معنوی را پیش بینی کند و سوم اینکه، ابعاد هویت معنوی نقش واسطه ای بین جهت گیری گفت و شنود و انواع احساس تنهایی دارد.

یافته های مربوط به فرضیه اول پژوهش مبنی بر پیش بینی منفی انواع احساس تنهایی (رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی) توسط جهت گیری گفت و شنود و پیش بینی مثبت احساس تنهایی خانوادگی توسط جهت گیری همنوایی با تحقیقات پیشین از جمله رزمزن و شکوفه فرد (۲۰۱۴)، ذبیحی دان (۱۳۸۹)، شرودت و همکاران (۲۰۰۷)، کلی و همکاران (۲۰۰۲)، گودی و همکاران (۲۰۰۱) و هوانگ (۱۹۹۹) همخوان بود.

همگام با این پژوهشها، در توجیه این یافته می توان بیان داشت که از آنجادر خانواده هایی با جهت گیری گفت و شنود، اعضای خانواده آزادانه، پیوسته و خودانگیخته با یکدیگر تعامل دارند، و امکان طرح طیف گسترده ای از موضوعات بدون محدودیت زمانی را دارند و می توانند احساساتشان را با یکدیگر در میان بگذارند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)؛ از این طریق حس پذیرش توسط دیگران در آنها تقویت و موجب کاهش احساس تنهایی می شود. این مسئله از طریق مقایسه ضرایب مسیر در سه نوع احساس تنهایی خانوادگی، اجتماعی و رمانتیک مشهودتر است. زیرا همانگونه که نتایج نشان داد کمترین ضریب مربوط به تنهایی رمانتیک است و بیشترین قدرت پیش بینی مربوط به تنهایی خانوادگی است. بنابراین همانگونه که انتظار می رفت این جهت گیری بر کاهش احساس تنهایی در نوع خانوادگی بیشترین تأثیر را می گذارد با این حال بر سایر انواع احساس تنهایی نیز تأثیر معنی داری دارد. از منظر دیگر این یافته بیانگر آن است که جهت گیری ارتباطی مناسب خانواده می تواند زمینه ساز کاهش احساس تنهایی در انواع دیگر روابط مهم زندگی جوانان که شامل روابط اجتماعی و عاطفی است نیز باشد و این تأکیدی است بر نقش خانواده. علاوه بر این از نقطه نظر انتقادی این نتایج حکایت از آن نیز دارد که ارتباطات خانوادگی نمی تواند به تنهایی موجبات کاهش احساس تنهایی در زمینه های دیگر خصوصاً در زمینه های رمانتیک را فراهم آورد.

در خصوص رابطه مثبت جهت گیری ارتباطی همنوایی با احساس تنهایی خانوادگی و عدم رابطه با احساس تنهایی اجتماعی و رمانتیک در مدل کلی می توان گفت فرزندان خانواده های با همنوایی بالا، در تصمیم گیری های خانوادگی شرکت داده نمی شوند، در تبادلات میان فردی و ارتباطات این خانواده ها، بازتابی از اطاعت از والدین و بزرگسالان دیگر دیده می شود. همچنین استقلال، فردیت و نگرش ها و عقاید ناهمگون

آنان در محیط خانواده مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در چنین فضایی منطقی بنظر می‌رسد که فرزندان تنهایی خانوادگی بیشتری را احساس کنند.

در خصوص نتایج مربوط به فرضیه دوم پژوهش، یعنی، ارتباط مثبت بین جهت‌گیری گفت‌و شنود و ابعاد هویت معنوی (باورهای ماورایی و باورهای اخلاقی) می‌توان بیان داشت، خانواده‌های با گفت‌و شنود بالا در خلال تعاملات باز و مکرر و آزادانه زمینه را برای رشد مهارت‌های شناختی فرزندان خود فراهم می‌کنند (شروود و لدیتر، ۲۰۰۸)، این فرزندان از قابلیت‌های شناختی پخته‌تر و پیچیده‌تر برخوردار بوده و جنبه‌ها و معناها و لایه‌های عمیق‌تری را برای زندگی در نظر می‌گیرند، از طرفی در مورد باورهای ماورایی نیز ارتباط با وجود متعالی و عالم ماوراء، نیازمند نگاهی عمیق‌تر به زندگی است، در نتیجه ارتباط مثبت معنی‌دار جهت‌گیری گفت و شنود و بعد باورهای ماورایی مطابق انتظار به نظر می‌رسد.

علاوه بر این باید گفت، فرزندان خانواده‌های با گفت‌و شنود بالا در جوی پرورش یافته‌اند که در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داده شده‌اند و تمایلات و علایق شخصی و نگرش‌های ناهمگون آنها مورد توجه قرار گرفته است، در چنین فضایی آنها یاد گرفته‌اند که نقطه نظرات دیگران را در نظر بگیرند و حریم رعایت اخلاقی^۱ وسیع‌تری داشته باشند. منظور از حریم رعایت اخلاقی، مرز و محدوده‌ای است که افراد و گروه‌ها به صورتی تعریف می‌شوند که فرد مایل است نسبت به آنها توجه اخلاقی نشان دهد (رید و آکوئینو، ۲۰۰۳). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که گفت و شنود از طریق رشد دامنه مفهوم دیگری در فرد، موجبات تقویت باورهای اخلاقی را فراهم می‌آورد. این یافته با تحقیقات پیشین از جمله هارون رشیدی (۱۳۹۳) همسو است.

در خصوص معنادار نشدن رابطه جهت‌گیری همنوایی و ابعاد هویت معنوی، به نظر می‌رسد این مسئله ناشی از کارکرد دوگانه جهت‌گیری همنوایی در رابطه با هویت معنوی است. از یک سو با توجه به مذهبی بودن جامعه ایران، بخش بزرگی از همنوایی در خانواده‌ها، شامل همنوایی دینی و تاکید روی اعتقادات معنوی است. در خانواده‌های با همنوایی بالا، فرزندان به سمت شکل‌گیری هویتی که بخشی از آن را باورهای دینی تشکیل می‌دهد، سوق داده می‌شوند؛ از سوی دیگر به دلیل انتخابی نبودن هویت و زودرس بودن آن در چنین خانواده‌هایی، این باورها درونی نمی‌شوند، در این راستا شواهد رابطه‌ی معنادار جهت‌گیری همنوایی با سبک هویت گسیخته-اجتنابی در تحقیقات پیشین از جمله سلطانی و همکاران (۲۰۱۳) و بوش و سیگرین و کارن (۲۰۱۲) قابل مشاهده است. بر این اساس این دو اثر مثبت و منفی یکدیگر را خنثی کرده و در نتیجه رابطه‌ی معناداری بین جهت‌گیری همنوایی و ابعاد هویت معنوی مشاهده نمی‌شود. یافته‌ها در خصوص معنادار نشدن جهت‌گیری همنوایی و باورهای اخلاقی نیز با پژوهش سالتزشتاین، هربرت، دایموند و ری (۱۹۷۲) همسو است.

1. circle of moral regard

در خصوص فرضیه سوم مبنی بر نقش واسطه‌گری ابعاد هویت معنوی در رابطه جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و انواع احساس‌تنهایی نتایج بیانگر آن بود که هیچ‌یک از ابعاد هویت معنوی نقش واسطه‌گری بین جهت‌گیری‌همنوایی و انواع احساس‌تنهایی نداشته‌اند. به عبارت دیگر، این نوع جهت‌گیری‌تنها به صورت مستقیم توانسته است احساس‌تنهایی خانوادگی را پیش‌بینی مثبت نماید که در قسمت‌های پیشین توجیهات مبسوط پیرامون آن آورده شد. بنابراین به نظر می‌رسد از آنجا که این نوع جهت‌گیری با کارکرد دوگانه خود (مثبت و منفی) نمی‌تواند نقشی در افزایش یا کاهش هویت معنوی داشته باشد، نقشی خنثی در کاهش ابعاد رمانتیک و اجتماعی احساس‌تنهایی دارد.

اما در خصوص جهت‌گیری‌گفت و شنود نتایج تا حدی پیچیده بود. به این ترتیب که هر دو بعد هویت معنوی توانسته‌اند نقش واسطه‌ای بین این نوع جهت‌گیری و احساس‌تنهایی خانوادگی ایفا نمایند ولی در مورد احساس‌تنهایی رمانتیک تنها بعد ماورایی نقش واسطه داشته و در مورد احساس‌تنهایی اجتماعی تنها بعد اخلاق توانسته نقش واسطه‌گری داشته باشد. به عبارت دیگر، جهت‌گیری‌گفت و شنود به واسطه تحکیم نمودن نقش باورهای معنوی در هویت فرد می‌تواند موجبات کاهش احساس‌تنهایی خانوادگی شود، البته ذکر این نکته ضروری است که نقش باورهای ماورایی در این زمینه قوی‌تر از باورهای اخلاقی است.

در ارتباط با نقش واسطه‌ای باورهای اخلاقی در بین جهت‌گیری‌گفت و شنود و احساس‌تنهایی اجتماعی می‌توان به این نکته اشاره کرد که این نوع جهت‌گیری با تقویت مفهوم "دیگری" و گسترش حلقه رعایت اخلاقی، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم باورهای اخلاقی (رید و آکوئینو، ۲۰۰۳)، می‌تواند باعث کاهش احساس‌تنهایی اجتماعی شود، که روابط با دیگران (ناوابسته به لحاظ خانوادگی) در آن بسیار پررنگ است (مارکوئن و بروماکن، ۱۹۸۵).

اما در زمینه نقش واسطه‌ای باورهای ماورایی در رابطه‌ی این جهت‌گیری‌گفت و شنود و احساس‌تنهایی رمانتیک، می‌توان گفت که این نوع جهت‌گیری با تقویت هویت فرد، بر مبنای ارتباط با عالم ماورا، زمینه کاهش احساس‌تنهایی رمانتیک که مبتنی بر فقدان روابط عاطفی است را فراهم آورد. به عبارت دیگر، ارتباط با عالم ماورا به نوعی احساس‌کمبود روابط عاطفی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر می‌توان گفت هم در باورهای ماورایی و هم در احساس‌تنهایی رمانتیک مسئله نیاز به رابطه عمیق با یک محبوب وجود دارد و از این منظر بین این دو مفهوم اشتراک دیده می‌شود. این یافته همسو با تحقیقات پیشین از جمله هومن، احدی، سپاه منصور و شیخی (۱۳۸۹) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر، با ارائه یک مدل علی، از یک سو موجب گسترش دانش نظری در

خصوص هویت معنوی شد و شواهد تجربی مناسبی در جهت تایید تمایز ابعاد دوگانه این بعد از هویت فراهم آورد. همچنین این پژوهش شواهد تجربی مناسبی در تایید نقش تعاملات خانوادگی در رشد ابعاد معنوی هویت فراهم آورد و نیز نقش این ابعاد به همراه نقش خانواده را در کاهش انواع احساس تنهایی تا حدی روشن نمود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، آن بود که در بررسی جهت گیریهای خانواده تنها ادراک جوانان (دانشجویان) مد نظر قرار گرفت و نظر والدین اندازه گیری نشد. بنابراین پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی ادراک والدین از جهت گیری ارتباطی خانواده مد نظر قرار گیرد. علاوه بر این، تحقیق حاضر از نوع همبستگی بوده و از این رو استنباط علی از نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، شرکت کنندگان پژوهش فقط دانشجویان بوده‌اند و در تعمیم به جمعیت‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

پیشنهاد می‌شود با توجه به جدید بودن سازه‌ی هویت معنوی و پژوهش‌های محدود در این زمینه، با انجام تحقیقات مختلف در این زمینه و بررسی نقش سایر متغیرها در ارتباط با هویت معنوی به گسترش این حوزه کمک شود، همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، نقش واسطه‌ای سایر ابعاد هویت، از جمله هویت اخلاقی و اجتماعی در رابطه با متغیرهای مورد پژوهش بررسی شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی هیجانهایی مثبت اجتماعی نظیر نوع دوستی به عنوان پیامد هویت معنوی و جهت‌گیریهای ارتباطی خانواده در نظر گرفته شوند.

منابع

- جوکار، بهرام و سلیمی، عظیمه (۱۳۹۰). ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان. *مجله علوم رفتاری*، ۵، ۴، ۳۱۱، ۳۱۱-۳۱۷.
- ذبیحی‌دان، سحر (۱۳۸۹). *رابطه‌ی الگوهای ارتباطی خانواده و احساس تنهایی با واسطه‌گری خودنقدی و خودخاموشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی*، دانشگاه شیراز.
- راه‌پیما، سمیرا؛ رستمی، راحله و جوکار، بهرام (۱۳۹۳). هویت معنوی: بررسی نقش جنسیت و رشته‌ی تحصیلی. *مجموعه مقالات هفتمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، دانشگاه صنعتی اصفهان، اردیبهشت ۹۳، اصفهان.
- سلیمی، عظیمه (۱۳۸۷). *مدل علی پیرامون پیشایندها و پیامدهای احساس تنهایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی*، دانشگاه شیراز.

کوروش‌نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳، ۱۰، ۵۸۷-۶۰۰.

هارون رشیدی، همایون (۱۳۹۳). *رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با قضاوت اخلاقی دانش آموزان تیزهوش*. اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

هومن، حیدرعلی؛ احدی، حسن؛ سپاه‌منصور، مژگان و شیخی، منصوره (۱۳۸۹). مدل‌یابی احساس تنهایی بر پایه ساختار بهزیستی معنوی، خودکارآمدی و رضایت از زندگی. *تحقیقات روانشناختی*، ۲، ۷، ۱۹-۳۲.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.

Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.

Bezci, S. (2008). Youth in crisis: An Eriksonian interpretation of adolescent identity in "Franny". *Novitas Royal*, 2 (1), 1-12.

Bosh, L.A., Segrin, Ch., & Curran, M. A. (2012). Identity style during the transition to adulthood: The role of family communication patterns, perceived support, and effect, An international. *Journal of Theory and Research*, 12, 275-295.

Cheek, J. M., Smith, S. M., & Tropp, L. R. (2002). Relational identity orientation: A fourth scale for the AIQ. *Paper presented at the meeting of the Society for Personality and Social Psychology, Savannah, GA.*

Cooper, C. R., Grotevant, H. D., & Condon, S. M. (1983). Individuality and connectedness in the family as a context for adolescent identity formation and role-taking skill. *New Direction for Child and Adolescent Development*, 22, 43-59.

Ditommaso, E., Brannen, C., & Best, L. A. (2004). Measurement and validity characteristics of the short version of the social and emotional loneliness scale for adults. *Educational and Psychological Measurement*, 64, 1, 99-119.

Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *The Journal of Family Communication*, 4, 167-179.

Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.

- Gudykunst, W., & Nishida, T. (2001). Anxiety, uncertainty, and perceived effectiveness of communication across relationships and cultures. *International Journal of Intercultural Relations*, 25, 55-71.
- Hardy, S. A., Bhattacharjee, A., Aquino, K., & Reed, A., II. (2010). Moral identity and psychological distance: The case of adolescent parental socialization. *Journal of Adolescence*, 33, 111-123.
- Huang, L. (1999). Family communication patterns and personality characteristics. *Communication Quarterly*, 47, 230-243.
- Kelly, L., Keaten, J., Finch, C., Duarte, I., Hoffman, P., & Michels, M. (2002). Family Communication Patterns and the Development of Reticence. *Communication Education*, 51, 202-209.
- Knafo, A. K., & Schwartz, S. H. (2004). Identity formation and parent-child value congruence in adolescence. *British Journal of Developmental Psychology*, 22, 439-458.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of Conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-78.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26, 37-69.
- Ledbetter, A. M., & Schrodtt, P. (2008). Family Communication Patterns and Cognitive Processing: Conversation and Conformity Orientations as Predictors of Informational Reception Apprehension. *Communication Studie*, 59, 388-401.
- MacDonald, D. A. (2009). Identity and spirituality: Conventional and transpersonal perspective. *International Journal of Transpersonal Studies*, 28, 86-106.
- MacDonald, D. A. (2011). Spiritual identity: individual perspective, in S. J. Schwartz, S. J., Luyckx, K., & Vignoles, V. L. (Eds.), *Handbook of Identity Theory and Research*, 531-544.
- Marcia, J. E. (1980) Identity in adolescence. In J. Adelson (Eds.). *Handbook of Adolescent Psychology*. New York: Wiley.
- Marcoen, A., & Brumagne, M. (1985). Loneliness among children and young adolescents. *Developmental Psychology*, 21(6), 1025-(3).
- Pratt, M. W., Hunsberger, B., Pancer, S. M., & Alisat, S. (2003). A longitudinal analysis of personal value socialization: Correlates of a moral self-ideal in adolescence. *Social Development*, 12, 563-585.

- Razmzan, Z., & Shekofefard, S. (2014). Family communication patterns and social anxiety in students: The mediating role of coping strategies. *ShefayeKhatam*, 2, 146-146.
- Reed, A., & Aquino, K. F. (2003). Moral identity and the expanding circle of moral regard toward out-groups. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 1270-1286.
- Roehlkepartain, E. C., Benson, P. L., & Scales, P. C. (2011). Spiritual identity: Contextual perspectives, in S. J. Schwartz, K., Luyckx, & Vignoles, V. L. (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, (545-562).
- Saklofske, D. H., Yackulic, R. A., & Kelly, I. W. (1986). Personality and loneliness. *Personality and Individual Differences*, 7, 899-901.
- Saltzstein, H. D., & Diamond, R. M. (1972). Moral judgment level and conformity behavior. *Developmental Psychology*, 7 (3), 327-336.
- Schrodt, P., Ledbetter, A. M., & Ohrt, J. K. (2007). Parental confirmation and affection as mediators of family communication patterns and children's mental well-being. *Journal of Family Communication*, 7, 23-46.
- Sheffield Morris, A., Silk, J. S., Steinberg L., Myers, S. S., & Robinson, L. R. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Social Development*, 16, 361-388.
- Sixsmith, J. (1986). The meaning of home: An exploratory study of environmental experience. *Journal of Environmental Psychology*, 6, 281-298.
- Soltani, A., Hosseini, S., & Mahmoodi, M. (2013). Predicting Identity Style based on Family Communication Pattern in Young Males. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 1386-1390.
- Tajfel, H. (1981). *Human groups and social categories: Studies in social psychology*. Combridge University press.
- Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: The experience of pmotional and social isolation*. Cambridge, Mass. The mit press.
- Zarnaghash, M., Zarnaghash, M., & Zarnaghash, N. (2013). The relationship between family communication patterns and mental health. *Procedia-Social and Behavioral Siences*, 84, 405-410.